



## دانشمندان زرتشتی پس از اسلام

پدیدآورنده (ها) : انصاری، بهمن

تاریخ :: تاریخ اندیش :: زمستان 1397، سال اول - شماره 3

از 27 تا 38

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1497855>

دانلود شده توسط : بهمن انصاری

تاریخ دانلود : 22/11/1398

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور



# دانشمندان زرتشتی پس از اسلام

بهمن انصاری

کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی

Bahman.soshiant@gmail.com

### چکیده

با ورود اسلام به ایران، زمینه بهره‌مندی از دستاوردهای فرهنگی و علمی تمدن باستانی ایران برای حکومت اسلامی فراهم آمد؛ تا با استفاده از آن به تمدنی شکوهمند دست یابد. در این بین نقش دانشمندان زرتشتی در انتقال دانش و شکل‌گیری تمدن اسلامی بسیار پررنگ است. آنان در راستای زنده نگه داشتن فرهنگ ایرانی با شکل‌گیری نهضت ترجمه، خدمات زیادی در زمینه ترجمه آثار از پهلوی به عربی نمودند. همچنین آنها در زمینه شعر، موسیقی، طب، ریاضیات، نجوم و تاریخ؛ دستاوردهای ارزنده‌ای به جهان اسلام تقدیم نمودند. این پژوهش سعی خواهد کرد با روش توصیفی-تحلیلی گامی بردارد در جهت شناسایی این دانشمندان و دستاوردهای ایشان را در قرون مختلف پس از اسلام بررسی نماید.

**واژگان کلیدی:** ایران، زرتشتیان، اسلام، ساسانیان.

## مقدمه

با سقوط ساسانیان و ورود اسلام به ایران، تحولی عمیق در آداب و رسوم و فرهنگ ایران زمین شکل گرفت. تا پیش از یورش اعراب، ایران به مدت بیش از هزار سال؛ تحت پادشاهی سه دودمان هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان، به گنجینه‌ای گران‌بها، مملو از دانش و فرهنگ و ادب تبدیل شده بود. سقوط ساسانیان در عین نابودی همیشگی امپراطوری ایرانی، زمینه‌ای را مهیا ساخت تا اسلام نوپا، با بهره‌گیری از این گنجینه فرهنگی چندهزارساله، به چنان عظمتی دست یابد که ماحصل آن تمدن شکوهمندی است که در تواریخ با نام تمدن اسلامی از آن نام برده می‌شود.

اما نکته‌ای که در هنگام صحبت از تمدن اسلامی، اغلب بدان پرداخته نمی‌شود، نقش زرتشتیان در شکل‌گیری این تمدن وسیع است. در قرون اسلامی، زرتشتیان با تمام محدودیت‌هایی که در پیش داشتند، اما در علومی چون ترجمه، ادبیات، تاریخ، هندسه، نجوم و... به خلق چنان آثار ارزشمندی دست یازیدند که به‌زودی در کنار آثار علمی ایرانیان مسلمان شده، پایگاه علم جدید را برپاساخت. در این جستار، به بررسی کم و کیف دانشمندان ایرانی زرتشتی در قرون اسلامی و معرفی آثار علمی و هنری آن‌ها، خواهیم پرداخت.

## نقش اندیشمندان زرتشتی در احیای فرهنگ ایرانی

در آغاز باید از سلسله اقدامات فرهنگی دانشمندان زرتشتی، در زنده نگاه داشتن فرهنگ ایرانی نام برد. در میان اندیشمندان ایرانی که پرچم‌دار جنبش علمی ایران در دوره اسلامی بودند، به نام‌های زرتشتی بسیاری برمی‌خوریم. از نخستین و بزرگ‌ترین این افراد روزبه پسر دادویه مشهور به «ابن مقفع»، از مردمان شهر «گور»<sup>۱</sup> بود که در سده دوم هجری می‌زیست. او پیش از مسلمان شدن، زرتشتی بود (ابن‌اسفندیار، ۱۳۲۰: ۲۵/۱). ترجمه کتاب‌های زرتشتی، به همراه ترجمه بسیاری دیگر از کتب بازمانده از دوران ساسانیان؛ همچون «کلیله و دمنه»، «تاج‌نامه انوشیروان»، «آیین‌نامه»، «عجایب سیستان»، «کتاب مزدک»، «خدای‌نامه»، «نامه‌تنسر» و... از زبان پهلوی به عربی، به دست او انجام

۱. فیروزآباد کنونی.

گرفت (شهمردان، ۱۳۶۰: ۹۰-۹۵).

ترجمه این آثار، خدمتی عظیم به فرهنگ کهن ایرانی بود. چرا که به مرور، با فراموش شدن زبان پهلوی، می‌رفت که این آثار از بین رفته و به ورطه فراموشی سقوط کنند. با اتکا بر همین ترجمه‌ها بود که دیگر اندیشمندان ایرانی در سده‌های بعدی توانستند به نگارش کتب مهمی مبادرت بورزند. برای نمونه ابوالفضل بیهقی<sup>۱</sup> در اثر سترگ خویش موسوم به «تاریخ مسعودی»<sup>۲</sup>، با استناد به ترجمه‌های ابن مقفع از کتب پهلوی، داستان‌ها و روایاتی از دانایان و خردمندان و پادشاهان ایران باستان را بازگویی کرده (بیهقی، ۱۳۸۳: ۱۲۶) و ابن اسفندیار، نامه مهم تنسر<sup>۳</sup> به گشنسپ<sup>۴</sup> را طبق ترجمه ابن مقفع، در کتاب «تاریخ طبرستان» نشر داده است (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۲۵/۱).

با تمام خدماتی که ابن مقفع نسبت به فرهنگ ایران زمین داشت، اما پایان زندگی این اندیشمند بسیار غم‌انگیز است. فردی متنفذ در دربار منصور<sup>۵</sup>، به نام سفیان بن معاویه به واسطه هزلیاتی که بارها ابن مقفع ماهرانه نثارش کرده بود، از او کینه گرفت و نهایتاً در سال ۱۴۲ هجری، هنگامی که ابن مقفع مخفیانه از آتشکده‌ای بیرون می‌آمد، او را غافلگیر کرد و توانست حکم اعدامش را به جرم مجوس بودن، از خلیفه بگیرد. بدین منظور، دست و پای او را بریده و پیکرش را در آتش سوزاندند (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۲۶/۱).

ابن مقفع از نخستین افراد نهضت ترجمانی بود. شیوه ترجمه و نثر بلیغ او تا به امروز در جهان بی‌نظیر است. افزون بر او، اشخاصی چون آبان ابن عبد الحمید با ترجمه کتبی چون سندیباد، کارنامه اردشیر بابکان، کارنامه انوشیروان، کتاب مزدک و کلیله و دمنه از پهلوی به عربی؛ موبد بهرام پسر مردانشاه با ترجمه خدای نامه و هشام بن قاسم اصفهانی با ترجمه تاریخ ایران از پهلوی به عربی، از زرتشتیانی بودند که در شکل‌گیری نهضت ترجمانی، نقش بسزایی داشتند (شهمردان، ۱۳۶۰: ۹۴-۹۶).

در ادبیات، از مهمترین شعرای زرتشتی پس از اسلام، باید از دقیقی طوسی نام

۱. ۳۷۰-۴۵۶ هجری.

۲. مشهور شده با نام «تاریخ بیهقی».

۳. موبد بزرگ دربار اردشیر بابکان.

۴. فرماندار طبرستان در زمان تغییر حکومت از اشکانیان به ساسانیان.

۵. دومین خلیفه عباسی، او از ۱۲۶ تا ۱۵۸ هجری بر مسند خلافت بنشست.

برد. او نخستین شاهنامه‌سرای پارسی‌گو بود که گشتاسپ نامه را سرود. سال‌ها بعد فردوسی بزرگ در شاهنامه، هزار بیت از اشعار دقیقی را در فصل مربوط به پادشاهی گشتاسپ، جای داد.<sup>۱</sup> از دیگر شعرا و ادبای ایرانی پس از اسلام، صائب بن فرخ شاعر عصر اموی، اسماعیل بن یسارنسائی از ایرانیان فرقه شعوبیه، اسماعیل بن هیربد ایرانی، ایرانشاه بن ابوالخیر، بشار بن برد طخارستانی و ابوعلی محمد پسر احمد بلخی می‌باشند که همگی زرتشتی بودند. همچنین ابراهیم بن ماهان بن بهمن (متوفی در ۱۸۹ هجری) و پسرش اسحاق، از زرتشتیانی بودند که در شعر و موسیقی و نوازندگی به شهرت رسیدند. یونس بن سلیمان از خاندان «هرمز» نیز از نوازندگانی بود که کتابی در زمینه موسیقی نوشت (شهمردان، ۱۳۶۰: ۹۴-۹۶).

بهمنیار بن مرزبان آذربایجانی، از زرتشتیانی بود که در خردسالی شاگرد یک دکان آهنگری بود. اما به واسطه هوش و نبوغی که داشت، مورد توجه ابن‌سینا قرار گرفته، مسلمان شد و سال‌ها شاگرد شیخ‌الرئیس گردید. او کتبی در فلسفه، منطق و طب تالیف کرد (همان، ۹۷). در داروسازی، شاپور بن سهل گندیشاپوری که در «بیمارستان گندیشاپور» خدمت می‌کرد از مشهورترین دانشمندان زرتشتی است. او کتاب «قربادین» را در قرن سوم هجری تحریر نمود که این اثر، تا قرن شش به عنوان مرجع مهم داروسازی در تمام سرزمین‌های اسلامی مورد استفاده قرار می‌گرفت (جندیشاپوری، ۱۳۹۳: مقدمه). همچنین علی بن عباس مجوسی، پزشک و روانشناس شیرازی قرن چهارم هجری، صاحب کتاب «طب الملکی» نیز زرتشتی بود (شجاع‌الدین شفا، ۱۳۸۵: ۳۴-۳۵).

در علم هندسه و ریاضیات، ابوالحسن آذرخو که ابوریحان بیرونی بسیاری از مطالب او را بازنویسی و نقل کرده است، و ابوسهل و یجن پسر رستم کوهی که در سال ۳۸۰ هجری قمری می‌زیست و نویسنده رساله «فی مساحة الجسم المكافی» می‌باشد، از مهندسان و ریاضی‌دانان به نام زرتشتی بودند (شهمردان، ۱۳۶۰: ۹۳).

در علوم انسانی، ابن خردادبه، جغرافیدان، مورخ، ادیب و موسیقی‌دان ایرانی سده سوم هجری زاده خراسان است. او صاحب کتاب مشهور «المسالک و الممالک» در جغرافیا است. کتبی نظیر «اللهو و الملاه» که شامل موسیقی در عصر ساسانیان و شرحی از زندگی

۱. شاهنامه فردوسی: بخش «پادشاهی گشتاسپ صد و بیست سال بود».

موسیقی‌دان‌هایی چون «باربد» و «سرکش» بود، «آداب سماع»، «جمهره النسب الفرس و النوافل»، «الکبیر فی التاریخ» و... از دیگر تحریرات او می‌باشد (شجاع‌الدین شفا، ۱۳۸۵: ۳۴-۳۵). همچنین «وهب بن منبه» که راوی تاریخ اساطیری بود و «حماد بن شاپور دیلمی گیلانی» که تاریخ افسانه عرب را تدریس می‌نمود، از زرتشتی‌تباران بزرگ بودند (شهمردان، ۱۳۶۰: ۹۴).

در علم نجوم، فضل بن سهل سرخسی دانشمند و ستاره‌شناس بزرگ خراسانی از مشهورترین منجمان تاریخ است. او جوانی زرتشتی بود که پس از استخدام در دربار مامون، مسلمان گردید و به چنان جایگاهی در دربار خلافت رسید که تمام عزل و نصب‌های مهم به دستور او صورت می‌گرفت. فضل در اندیشه بود تا با حمایت از ولایت‌عهدی علی بن موسی الرضا، به آرامی خلافت را به شیعیان منتقل کرده و جنگ و جدل میان مدعیان خلافت را گسترش دهد. سپس با تضعیف اعراب، «شاهنشاهی و خسروی عجم» را برپا نماید. با این حال، بخت با او یار نبود و پیش از پیاده‌سازی برنامه‌هایش، مورد سوءظن قرار گرفت و به فرمان خلیفه، کشته شد (شهمردان، ۱۳۶۰: ۹۶).

از دیگر منجمان بزرگ زرتشتی، ابوحفص عمر بن حفص فرّخان طبرستانی بود که آثاری در زمینه‌های نجوم و اخلاق و ادب تالیف کرده و حاشیه‌هایی بر کتب «بطلمیوس» نوشته بود. پسرش محمد، نیز صاحب کتاب‌های «المقیاس»، «الموالید»، «العمل بالاسطرلاب»، «المسائل» و «الاختیارات» بود. ابی‌الحسن کوشیارنویسنده کتاب «رساله فی الابعاد و الاجرام المعنونه» نیز زرتشتی بود. او در این رساله مساحت زمین، فاصله زمین تا ماه، فاصله خورشید و دیگر سیارات با هم و با زمین، حرکت نور و... را محاسبه کرده بود. خسروشاه مجوسی نیز از منجمانی بود که در صدر اسلام می‌زیست و دانش او زبانزد عصر خود بود (شهمردان، ۱۳۶۰: ۹۴). با روی کار آمدن صفویان و آغاز تاریخ جدید ایران، همچنان منجمان بزرگ زرتشتی در رصدخانه‌ها به تحصیل علوم، مشغول بودند. رستم نجومی ستاره‌شناس زمان شاه‌سلطان حسین صفوی، هوشنگ پسر بهروز و ملا کاووس بن بهمن کرمانی از منجمان زمان آغامحمدخان قاجار، ملا اسکندر، ملا بهروز و ملا افلاطون؛ اولی پسر و دومی و سومی نوه ملا کاووس، از منجمان و ریاضی‌دانان مشهور دوران قاجاریه

۱. شهمردان مطلب فوق را به نقل از نوشته سید محمدکاظم امام آورده است.

و جمشید منجم زمان فتحعلی شاه قاجار، از آن جمله‌اند (همان، ۹۶، ۲۵۹-۲۵۸).

بیرون از مرزهای ایران زمین، در میان پارسیان هند نیز دانشمندان بزرگ زرتشتی بسیاری پرورش یافتند. مهرجی رانا، نریوسنگ داوال، رام کامدین، پشوتن، چانگا آسا، نریمان هوشنگ و بسیار کسان دیگر که در زمینه زبان‌شناسی و ترجمه کتب، ساخت آتشکده‌ها و فعالیت‌های فرهنگی، فعال بودند. بی‌گمان در میان این افراد، بزرگ‌ترین و محترم‌ترین فرد، مانیکجی لیمجی هاتریا ملقب به «درویش فانی» است. او از برجسته‌ترین شخصیت‌های زرتشتی است که در زمان قاجار، از سوی «انجمن اکابر پارسیان» به ایران سفر کرده و پس از مشاهده وضعیت اسفبار زرتشتیان ایران، جلساتی را با «ناصرالدین شاه قاجار» برقرار نمود و نهایتاً موفق شد تا «جزیه» را پس از سیزده قرن از دوش زرتشتیان برداشته و امکانات زندگی در اختیار ایشان قرار دهد. سپس با کمک اعانه‌هایی که از جانب زرتشتیان هند دریافت می‌کرد، بناهای خدماتی و آموزشی بسیاری در دو منطقه زرتشتی‌نشین کرمان و یزد احداث نمود و موجبات رشد زرتشتیان ایرانی را فراهم آورد.

در ایران معاصر نیز زرتشتیان در عرصه سیاست، بسیار فعال بودند. اردشیر نوشیروان کرمانی از زرتشتیان به نام دوران صفویه بود. همچنین جمشید بهمن جمشیدیان از فعالان «عصر مشروطه» که توانست به عنوان نماینده زرتشتیان، وارد مجلس شورای ملی اول بشود. کیخسرو شاهرخ از مشهورترین افراد تاریخ معاصر بود که از مجلس شورای ملی دوم تا یازدهم، به صورت متناوب به عنوان نماینده زرتشتیان، حضور داشت. همچنین افرادی چون موبد فیروز آذرگشنسپ، موبد رستم شهزادی و موبد کوروش نیکنام از دیگر شخصیت‌های زرتشتی هستند که در قرن اخیر، حضور فعالانه در عرصه سیاست داشتند (شهمردان، ۱۳۶۰: ۹۱-۹۷؛ مری‌بویس، ۱۳۸۱: ۲۵۶).

### نقش دودمان‌های زرتشتی در احیای فرهنگ ایرانی

در اینجا باید ذکر کرد که نیز از برخی دودمان‌های بزرگ ایرانی در سده‌های نخست اسلامی به میان آورد. خاندان‌هایی که دارای ریشه‌ای زرتشتی بوده و در جریان فعل و انفعالات سیاسی، مسلمان شدند.

از بزرگ‌ترین این دودمان‌ها، نوبختیان، بودند. نوبختیان خود را از بازماندگان



دودمان مغان فارس می‌دانستند. نیای این خاندان نوبخت از مغان به نام زرتشتی بود که با فشار دستگاه خلیفه، مسلمان گردید. در میان آنان، اندیشمندان و بزرگانی در زمینه ستاره‌شناسی، ادبیات، کلام‌شناسی، دیوان‌سالاری و دبیری رشد یافتند که دنباله‌رو دانش‌ها و علوم ایرانیان باستان بودند. بیشتر افراد خاندان نوبختی جز یک یا دو نفر، شیعه بودند. این خاندان با راه یافتن به دربار خلفای عباسی، در گسترش دانش و پیشرفت تمدن اسلامی نقش چشم‌گیری داشتند (اقبال آشتیانی، ۱۳۴۵: مقدمه).

از دیگر خاندان‌های مهم ایرانی، برمکیان بودند. برمکیان در زمان ساسانیان از خاندان‌های ممتاز و نسل‌به‌نسل متولی معبد بودایی «نوبهار» در بلخ بودند. از این معبد در برخی منابع با نام «آتشکده زرتشتی بهرام» نام برده شده است. در زمان قیام ابومسلم خراسانی، یکی از افراد این خاندان به نام خالد بن برمک مورد توجه ابومسلم قرار گرفته و پس از اسلام آوردن درون سپاه او شد. بعدها با روی کار آمدن عباسیان، ابوالعباس سفاح خلیفه عباسی او را در منصب وزارت خود قرار داد. این شخص به چنان نفوذی در دربار رسیده بود که خلیفه جز با مشورت او کاری را انجام نمی‌داد. رفته رفته قدرت این خاندان به حدی رسید که خلیفه تبدیل به یک مقام تشریفاتی شده و اداره تمام امور به دست برمکیان افتاد. به همین دلیل هارون الرشید که از قدرت روز افزون برمکیان به شدت در هراس بود؛ آن‌ها را نابود کرد. بسیاری از کتب پهلوی و یونانی یا به دست برمکیان یا با حمایت آن‌ها به عربی ترجمه شد.

یکی دیگر از دودمان‌های مهم زرتشتی که در قرن سه و چهار هجری، خالق آثاری مهم در زمینه مبانی فقهی و دینی زرتشتی بودند، خاندانی روحانی از نسل «آذرباد مهراسپندان»<sup>۱</sup> بودند. این‌ها نسل در نسل از موبدان بنام و تراز اول زرتشتی بودند. یکی از مشهورترین افراد این خاندان که نقش چشمگیری در انتقال فرهنگ ایران باستان به دوران اسلامی داشت، آذرفرنبغ پسر فرخزاد بود. او موبدی زرتشتی بود که در زمان خلافت مامون، چند کتاب دینی؛ که اکثراً تفسیرهایی بر اعتقادات دینی و فرهنگی زرتشتی بودند، همچون «ماتیگان گجستک ابالیش»، «روایات آذرفرنبغ فرخزادان» و اثر سترگ «دین‌گرد» را از خود به یادگار گذاشت. بهرام‌شاد - نوه آذرفرنبغ - از فقهای بزرگ زرتشتی

۱. موبد موبدان در دوران پادشاهی شاپور دوم ساسانی.

و گُشَنُ جَم، منوچهر و زادسپرم-اولی فرزند و دو نفر بعدی نوه‌های بهرام‌شاد- نیز از بزرگان زرتشتی بودند. از منوچهر کتاب «دادستان دینی» و از زادسپرم کتاب «گزیده‌های زادسپرم» باقی مانده است. نوه زادسپرم با نام فَرَنبَغ اشه‌وهیشتان نیز کتاب معروف «بُندهشن» را بازنویسی کرد. آذرباد امیدان یکی دیگر از اعضای این خاندان است که کتاب «دینگرد» را بازنویسی کرده و مطالبی بر آن افزود و یک زرتشتی دیگر به نام مَرَدان فرخ پسر اورمزد داد نویسنده کتاب «شکندگمانیک‌ویچار» (گزارش گمان شکن) بود (مری‌بویس، ۱۳۸۱: ۱۸۵-۱۸۷).

دودمان ایرانی مهم دیگری که در گسترش فرهنگ ایرانی نقش آفرینی کردند، سامانیان بودند. سامانیان از نژاد دهقانان و نجیب‌زادگان ایرانی بودند. جد اعلای آن‌ها سامان خدا خود را از نوادگان «بهرام‌چوبین» می‌دانست. بنیانگذار فرمانروایی این خاندان، امیرنصرسامانی بود. پس از وی برادرش امیراسماعیل و سپس فرزندان اسماعیل این دودمان را رهبری می‌کردند (بیهقی، ۱۳۸۳: ۱۰۲-۱۰۴). امیران سامانی به شدت در زنده نگه داشتن زبان فارسی، فرهنگ باستانی و آداب و رسوم کهن ایرانی نقش داشتند (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۳۰-۳۵۰). ابومنصور عبدالرزاق در زمان حکمرانی نصر بن احمد سامانی با کمک «چهار موبد زرتشتی»، «خداینامه» را به زبان روز، ترجمه کرد. این ترجمه بعدها اساس شاهنامه‌سرایی فردوسی قرار گرفت. رودکی و دقیقی نیز از دیگر شعرای به‌نام بودند که در سرزمین‌های تحت استیلای سامانیان رشد کردند.

پیشرفت روزافزون فرهنگ ایرانی، همزمان با روندِ نرمِ بومی شدنِ تشیع در ایران را باید در خدمات بزرگان ایرانی جستجو کرد. بدون شک بزرگانی چون ابوریحان بیرونی، ابن سینا، زکریای رازی، خیام، خواجه نصیرطوسی، حافظ، فارابی و... نقش غیرقابل انکاری در حفظ و نگهداری فرهنگ کهن ایرانی، در تاریخ پرآشوبِ پس از اسلام، داشتند.

چیرگی اعراب تا سده سوم هجری، خزش گسترده تُرک‌های سلجوقی در قرن شش، یورش چنگیزخان و سلطنت ایلخانیان در قرن هفت، تاخت‌وتاز تیمورلنگ در قرن هشت و سیطره ترکمانان در قرن نه؛ با تمام خرابی‌ها، کشتارها، لگدمال شدن هنر، نابودی صنایع و کتابخانه‌سوزی‌ها، نتوانست موجبات از بین رفتن فرهنگ ایرانی را فراهم کند. بالعکس، این مهاجمان بودند که مغلوب فرهنگ ایرانی شده، به مرور زمان فارسی‌زبان

شدند، فرهنگ بادیه‌نشینی و تجاوز را فراموش کرده و در فرهنگ ناب و کهنسال ایرانی حل شدند.

## نتیجه

با یورش عرب به سرزمین ایران و سقوط امپراطوری ساسانیان، فرهنگ ایران زمین پس از هزار سال شکوه و اقتدار، به ناگاه از میان برفت و از آن تمدنِ شکوهمند ایرانی، جز خرابه‌ای باقی نماند. با این حال به زودی درختِ قطع‌شدهٔ این تمدنِ کهنسال، جوانه زد و به آرامی شروع به بازسازیِ هویت و فرهنگِ از دست‌رفتهٔ خود نمود. در این میان اندیشمندان و فرهیختگانِ زرتشتی؛ با همه شکنجه‌ها و سختی‌هایی که از جانب دشمنان تازه‌وارد متحمل می‌شدند، با جدیت در احیای فرهنگِ نیاکان گام برداشته و با کوشش در تمام شاخه‌های علوم و دانش، نقش چشم‌گیری در احیای فرهنگی ایران‌زمین داشتند. نتیجه تلاش‌های آن‌ها در کنار دیگر اندیشمندان ایرانی، پیداییِ کاخی بلند از علم و هنر بود که در تاریخ با نامِ تمدن اسلامی ثبت گردید و بشریت را به سوی آینده‌ای درخور، سوق داد.

## منابع

- ابن اثیر، عزالدین علی ابن محمد، (۱۳۷۱) *الکامل فی التاریخ*، ترجمه ابوالقاسم حالت، نوبت اول، تهران: موسسه مطبوعاتی علمی.
- ابن اسفندیار، محمد، (۱۳۲۰) *تاریخ طبرستان*، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، نوبت اول، تهران: کلاله خاور.
- ابن مسکویه، ابوعلی، (۱۳۷۶) *تجارب الأمم و تعاقب الهمم*، تصحیح علی نقی منزوی، نوبت اول، تهران: توس.
- ارداویرافنامه، (۱۳۸۲) ترجمه و تصحیح ژاله آموزگار، نوبت دوم، تهران: معین.
- اردشیر آذرگشسب، (۱۳۵۲) *مراسم مذهبی و آداب زرتشتیان*، تهران.
- اقبال آشتیانی، عباس، (۱۳۴۵) *خاندان نوبختی*، نوبت دوم، تهران: طهوری.
- اوستا، (۱۳۷۱) *کهنترین متن‌ها و سروده‌های ایرانی*، گزارش جلیل دوست‌خواه، نوبت دوم، تهران: انتشارات مروارید.
- انصاری، بهمن (۱۳۹۶) *زرتشت و زرتشتیان*، نوبت اول، تهران: نشر آرون.
- بلعمی، ابوعلی، (۱۳۶۸) *تاریخ‌نامه طبری*، تصحیح محمد روشن، نوبت اول، تهران: نشر نو.
- بویس، مری، (۱۳۸۱) *زرتشتیان باورها و آداب دین آن‌ها*، ترجمه عسکر بهرامی، نوبت اول، تهران: ققنوس.
- بنی حسینی، محمدصادق، (۱۳۷۲) *ادیان و مذاهب جهان*، نوبت اول، تهران: فروردین.
- بیهقی، ابوالفضل، (۱۳۸۳) *تاریخ مسعودی (بیهقی)*، تصحیح علی اکبر فیاض، نوبت دوم، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- *تاریخ سیستان*، (۱۳۸۱) تصحیح محمدتقی بهار، نوبت اول، تهران: نشر معین.
- جندی‌شاپوری، شاپور ابن سهل، (۱۳۹۳) *قربال‌دین*، تهران: مجمع ذخائر اسلامی.
- *حدود العالم من المشرق الی المغرب* (۱۴۲۳ق)، به اهتمام یوسف الهادی، قاهره: الدار الثقافیه.
- دینکرد، *کتاب پنجم*، (۱۳۸۶) ترجمه و تصحیح ژاله آموزگار - احمد تفضلی، نوبت دوم، تهران: معین.
- رضی، هاشم (۱۳۵۲) *راهنمای دین زرتشتی*، تهران: انتشارات فروهر.
- شفا، شجاع‌الدین، (۱۳۸۵) *ایران در اسپانیا*، مترجم: دکتر مهدی سمسار، تهران: نشر گستره.
- شهردان، رشید، (۱۳۶۰) *تاریخ زرتشتیان پس از ساسانیان*، نوبت اول، تهران: راستی.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۵۲)، *تاریخ الرسل و الملوک*، ترجمه پاینده، نوبت اول، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۵۷) *مزدآپرستی در ایران قدیم*، ترجمه ذبیح‌الله صفا، چاپ سوم، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- کیخسرو اسفندیار (۱۲۹۲ق)، *دبستان المذاهب*، بی‌مئی: مطبعه هروی.
- کیقباد، بهمن، (۱۳۵۰) *قصه سنجان*، به کوشش هاشم رضی، تهران: فروهر.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی ابن ضحاک، (۱۳۶۳) *زین‌ال‌اخبار*، تصحیح حبیبی، نوبت اول، تهران: دنیای کتاب.
- نرشی، ابوبکر محمدابن جعفر، (بی تا) *تاریخ بخارا*، ترجمه ابونصر احمدابن محمدابن نصر القبادی، تهران: انتشارات سنایی.
- Eliade, M.; Couliano, I.; Wiesner, H. (1991), *The Eliade Guide to World Religions*, New York, Harper Collins, ISBN 0-06-062145-1

